

جهانی شدن و چالش بزرگ جنگ رسانه ای از منظر حقوق بین الملل

دکتر میثم اقبالی^۱ و دکتر مونا خلیل زاده^۲

۱. دانشجوی دوره دکترای تخصصی حقوق بین الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)

meysam.eghbali@gmail.com

۲. دانشجوی دوره دکترای تخصصی حقوق بین الملل عمومی دانشگاه تهران

mona.kh65@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: رسانه های فراملی با تکیه بر دارا بودن حق آزادی بیان و اطلاعات مندرج در اسناد منطقه ای و بین المللی، و البته با رعایت استثنائات و محدودیت های حاکم بر این حقوق، به راحتی می توانند از مرزهای سیاسی دولت ها عبور کرده و با ارائه اطلاعاتی که ممکن است دولت ها تمایلی به پخش و انتشار آن ها در عرصه داخلی خود نداشته باشند، به رشد آگاهی اتباع این دولت ها و نیز شناخت جوامع و ملت های دیگر کمک کرده و در نهایت نزدیک شدن ملت ها و بالتبع دولت ها را در پی داشته باشند، که این مسأله منجر به پیدایش مفهوم جدیدی در عرصه ادبیات اجتماعی کشورهای مختلف تحت عنوان «جهانی شدن» گردیده است. لذا در طی این پژوهش به مبحث جهانی شدن و امپریالیسم اطلاعاتی رسانه های فراملی پرداخته شده و شیوه های مختلف به راه اندازی جنگ رسانه ای علیه دولت ها مورد ارزیابی واقع می شود. روش تحقیق: شیوه پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای می باشد. یافته ها: در نقطه مقابل مفهوم «جهانی شدن»^۱، مفهوم «جهانی سازی»^۲ قرار دارد. نتیجه گیری: عوامل متعددی باعث فرسایش و براندازی نرم حاکمیت ملی دولت ها شده اند، از جمله انقلاب ارتباطات که یکی از مؤلفه های اصلی جهانی شدن است و از مهمترین عواملی است که باعث فرسایش شدید و در نتیجه کاهش عمر حاکمیت ملی دولت ها شده است.

واژه های کلیدی: جهانی شدن، جهانی سازی، جنگ رسانه ای، فرسایش حاکمیت ملی، حقوق بین الملل

¹ Universalism

² Globalization

مقدمه

اندیشمندی هم چون کریستوفر بالس^۳ بر این باورند که امروزه استعمار مادی و فیزیکی، جای خود را به استعمار فکری و معنوی و فرهنگی داده است و دولت هایی که رسانه های فراملی تحت سلطه و سیطره آن هاست، در واقع همان استعمارگران و مستبدان سنتی و همیشه حاضر در عرصه تاریخ هستند که فقط ظاهر و سلاح و شیوه نفوذ و سلطه خود را تغییر داده اند. این استعمارگران بر آنند تا با سوء استفاده از قدرت فوق العاده شگفت انگیز رسانه های فراملی، در دوردست ترین زوایا و ابعاد پنهان جامعه مدنی و سیاسی دولت های متأثر - در اصلاح بهتر آسیب پذیر - نفوذ نموده و آن ها را به سمت و سویی که می خواهند بکشند و آنگونه که خواسته ها و تمایلاتشان اقتضا می کند در نگرش ها و باورها و رفتارهای اتباع این دولت ها اختلال ایجاد نموده و احساسات متعصبانه ملی گرایانه و مذهب گرایانه این ملت ها را دچار اضمحلال نمایند و با ایجاد فرسایش در پیکره وجودی حکومتها، تصویر جدیدی از استعمار و استثمار که به مراتب خطرناکتر و ویرانگرتر از وجهه سنتی آن است را به نمایش بگذارند.^۴ البته شایان ذکر است که در نقطه مقابل مفهوم جهانی شدن، که یک مفهوم مثبت و در بردارنده ایجاد حس اشتراک و تفاهم و دوستی در میان ملت ها و دولت های مختلف است، مفهومی منفی و کاملاً خصمانه نیز از سوی برخی منتقدان فعالیت های رسانه های فراملی همچون پروفیسور «ژان بودریار» تحت عنوان «جهانی سازی» گردیده است. با توجه به مقدمه فوق الذکر پاسخگویی به دو سؤال مهم در این پژوهش مد نظر قرار گرفته است که عبارت است از:

- آیا یک مرجع خاص جهت کنترل و نظارت بر برنامه های رسانه های فراملی وجود دارد؟
- آیا هیچگونه محدودیت حقوقی و قانونی برای دولت هایی که رسانه های فراملی تحت کنترل و سلطه آن ها قرار دارد و در راستای تکیه بر مفهوم جهانی شدن از سرزمین خود جهت ارائه هرگونه برنامه ای - اعم از مثبت یا منفی - استفاده می نمایند وجود دارد؟

گفتار اول: جهانی شدن^۵

با توسعه و گسترش وسایل ارتباطی از قبیل اینترنت و ماهواره، شاهد یک نوع تنیدگی جهانی و ارتباط تنگاتنگ جوامع بشری، بویژه در عرصه فرهنگ، سیاست و اقتصاد هستیم. فرایند جهانی شدن از یکسو موجب افزایش معرفت بشری و تحکیم روابط بین المللی شده و رفاه و توسعه نسبی را برای جهانیان به ارمغان خواهد آورد، ولی از دیگر سو سبب بروز چالش هایی در حوزه های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شده و می شود.^۶ جهانی شدن فرایندی غیر برنامه ریزی شده ولی هدایت شده است که از چند قرن گذشته آغاز شده است و هم اکنون در مراحل تکاملی خود قرار دارد. هدایت این پدیده توسط کشورهای صنعتی است که در طی این مدت و بصورت تدریجی سعی کرده اند که یک سیستم قاعده مند جهانی ایجاد کنند و اقتصاد سرمایه داری را از جغرافیای غرب به کل نظام بین المللی تسری بخشند.^۷ اگرچه جهانی شدن، هم بعنوان یک اندیشه و هم بعنوان یک واقعیت اجتماعی، پدیده ای قدیمی محسوب می شود، ولی جهانی شدن با مفهوم و کارکردهای امروزی آن پدیده ای است کاملاً جدید و در واقع مبنای شکل گیری دوره جدیدی از تاریخ بشر محسوب می شود. واژه «جهانی» از مدت ها پیش وجود داشت، اما معمول شدن واژه «جهانی شدن» نشانگر دلمشغولی امروزمین ما به مسائل جهان است و به همین دلیل

^۳ Christopher Balles

^۴ بودریار، ژان، در سایه اکثریت های خاموش، ترجمه: یزدان جو، پیام، انتشارات ارغنون، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۱۷

^۵ Globalization

^۶ نور بخش، یونس و سلطانیان، صدیقه، جهانی شدن و چالش های دینی و ملی حاصل از آن، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۸۹، ص ۴۳

^۷ دهقانی، روح الل، "جهانی شدن و فعالیت های علمی فرهنگی اسلامی، زمینه ها و چالش ها"، فصلنامه پژوهش های منطقه ای، شماره ۳، بهار

۱۳۸۹، ص ۲۸

است که لغت نامه کلمات جدید آکسفورد، واژه جهانی را در زمره کلمات جدید معرفی می کند و «آگاهی جهانی» را بعنوان «قابلیت پذیرش و درک فرهنگ های دیگر، غیر از فرهنگ خودی و نشانه توجه به مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جهان» تعریف می کند. لغت نامه آکسفورد خاطر نشان میکند که کاربرد مذکور از «جهانی شدن» متأثر از نظریه مارشال مک لوهان درباره «دهکده جهانی» است که در کتاب «اکتشافات در ارتباطات»^۸ مطرح شده است.^۹ بطور کلی جهانی شدن واژه ای است برای نشان دادن اینکه چگونه زندگی ما، به شکل فزاینده ای با مردم و مکان های دوردست در اطراف جهان - از نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - در هم می پیچد. این پیوندها جدید نیستند اما از همیشه فراگسترده ترند.^{۱۰} با این اوصاف می توان گفت که جهانی شدن مفهومی انتزاعی می باشد که برای مشخص نمودن روند کلان سیاست های فنی، علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی در سطح جهان وضع شده است.^{۱۱} درست است که بارها و بارها اعلام می شود که جهانی شدن پایان دولت-ملت است، اما این نظریه ها به عقیده برخی فقط در حد حرف است و تا عملی شدن آن راهی طولانی در پیش است و نمی توان آینده ای روشن را برای آن متصور شد.^{۱۲} مارتین وولف^{۱۳} جهانی شدن را سفر به سمت مقصد نامعلومی قلمداد می کند که آینده آن مبهم و نا مشخص است. اما اگر به دقت به جهانی شدن بنگریم، باید اذعان کرد که جهانی شدن وابستگی متقابل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دولت ها را در بر دارد. جهانی شدن همچنین اشاره بر متحد شدن و تعامل داشتن مردم مختلف دنیا دارد. سازمان های بین المللی و منطقه ای مانند سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا نمونه هایی واضح هستند که جهانی شدن را به روشنی نشان می دهند. در سازمان های مذکور، دولت های عضو، ارزش ها و هنجارهای دموکراتیک یکسانی را با همدیگر سهیم هستند.^{۱۴} توسعه شرکت های چند ملیتی از دیگر خصایص این دوره از جهانی شدن بود. این شرکت ها قادر بودند فراتر از موانعی چون سیاستگذاری های ملی و عوامل دیگری از این دست عمل کرده و حتی به دورافتاده ترین نقاط جهان نیز نفوذ کنند. نتیجه این عوامل رشد غیر منتظره تولید و ارتقای سریع سطح زندگی مردم بود. اما آخرین موج جهانی شدن بسیار متفاوت است؛ جریانی که برخی از آن با عنوان «انقلاب ارتباطات» یاد می کنند. در حقیقت انقلاب ارتباطات فاز چهارم از جهانی شدن است. این موج مدیون تسهیل روند تبادل اطلاعات و رشد بی سابقه فناوری اطلاعات، تکنولوژی های مخابراتی، رایانه ها و بخصوص ماهواره و اینترنت است که تحولاتی جدید و کیفی را در همه عرصه های زندگی انسان پدید آورده است.^{۱۵} در انتها باید ذکر کرد: «علت جهانی شدن، به سبب مشکلات دولت ها در پیشبرد اهدافشان است. دولت ها آشکار کرده اند بطور فزاینده ای از حل مسائل و مشکلات داخلی در ارتباط با مردمشان عاجز هستند و توان حل آن ها را ندارند، و نیاز مبرم دارند که به سازمان های بین المللی بپیوندند و به منظور پیشبرد سیاست های خود از این سازمان ها در زمینه های مختلف کمک بگیرند».^{۱۶} بنابراین رویکرد دولت ها به جهانی شدن به علت نیاز آن ها است.

⁸ Exploration in Communication (1960)

⁹ رحیم زاده، لعیا، "جهانی شدن و انزوای هویت"، مجله زمانه، شماره ۱۰، تیر ۱۳۸۲، ص ۵

^{۱۰} ستوده، محمد، "جهانی شدن و امنیت ملی"، مجله علوم سیاسی، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۹، صص ۳۳-۳۴

^{۱۱} عیوضی، محمد رحیم، "جهانی شدن و امنیت ملی، مجله زمانه"، سال سوم، شماره ۳۰، اسفند ۱۳۸۳، ص ۷۸

¹² Kumar, Sangeet, ((Google Earth and the nation State: Sovereignty in the age of new media)), Global Media and Communication, 2010, P. 156

¹³ Martin wolf

¹⁴ Badakhshami, ofran, Globalization: The end of state Sovereignty?, Free University of Amesterdam, Faculty of Social sciences Department of Political Science, 2008, P. 3

¹⁵ Badakhshami, ofran, ibid, P. 3

¹⁶ Ostry, Sylvia, 9. March., GLOBALIZATION AND SOVEREIGNTY, J. R. Mallory Annual Lecture McGill University, 1999, P. 2

بند اول: انقلاب ارتباطات یا انفجار اطلاعات

ارتباطات و تکنولوژی های نوین ارتباطی نقشی بارز در دگرگونی تمدن انسان و تکوین یک جهان بینی جدید بر عهده دارند و تحول را از دوران باستان به عصر صنعت و سپس الکترونیک می کشانند. بررسی نقش ارتباطات و تکنولوژی های نوین ارتباطی در پیدایش ایدئولوژی و تأثیر آن بر نظام های اقتدار طلب در کشورهای در حال توسعه و تضاد انقلاب اطلاعات و ارتباطات به خودکامگی و تمرکزگرایی تصمیمات در این نظام هاست که چگونه شیوه های مدیریت و تصمیم گیری مبتنی بر تمرکزگرایی با پیدایش تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطی بی کفایت می گردد و دولت ها را مجبور به شفاف سازی تصمیم گیری می نماید. محققان بر این باورند که: «بعد از انقلاب صنعتی که سه قرن بر جهان حاکم بود، در ربع آخر قرن بیستم، انقلاب مهم دیگری رخ داد و آن انقلاب تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بود. این انقلاب نظم جدیدی را پدید خواهد آورد. اکنون ما بعنوان جزیی از نظام جهانی در جریان و در معرض این انقلاب هستیم، زیرا نمی توان تصور کرد که تغییراتی در درون واحدهای نظام بین المللی موجب تغییر در ساختار واحدهای ملی نگردد».^{۱۷} در حقیقت «ارتباطات» و ابزار آن یعنی «تکنولوژی های اطلاعاتی» بعنوان مدار هستی جامعه امروز بشری موجب شکل گیری فرایندها و تحولاتی می شود که منجر به دگرگونی در تمدن انسانی و ایجاد جهان بینی جدیدی می گردد. رسانه های الکترونیکی و شبکه های ارتباطی نوین که شامل شبکه های ماهواره ای، ارتباطات از راه دور و اینترنت می شود، از طریق رادیو، تلویزیون، کتاب، عکس، فیلم و ... در تمام دنیا در دسترس قرار دارند. رسانه ها و ارتباطات امر جهانی شدن را تسریع می بخشند و آن ها را می توان مهم ترین ابزار جهانی شدن ارزش ها دانست.^{۱۸} رسانه ها از یک جهت منعکس کننده ارزش ها و هنجارهای جامعه بوده و از طرفی در ایجاد ارزش ها و هنجارهای نوین و ترویج ارزش های یکسان یا مشابه، نقش مؤثری ایفا می نمایند. رسانه های جمعی که برخی از دانشمندان از آن ها بعنوان دروازه بانان عقاید نام می برند با قدرت بسیار گسترده ای که در اختیار دارند می توانند نوع خاصی از ارزش ها را در فرایند جامعه پذیری به ذهن انسان ها القاء نمایند. میران موفقیت رسانه ها در جهانی کردن ارزش ها به نوع وسیله ارتباطی مربوط می شود. باید اینترنت و ماهواره را اوج رسانه های جدید دانست، که سرعت قابل ملاحظه ای در پخش اطلاعات دارند. هم گرایی رسانه ها در عصر کنونی منتج به جامعه اطلاعاتی و شبکه های وسیعی گردیده است.^{۱۹} تأثیرات کامل انقلاب تکنولوژی اطلاعات بر ثبات جهانی و امنیت ملی هنوز شناخته نشده، ولی آشکار است که عصر اطلاعات؛ تهدیدات، آسیب پذیری ها و جنگ ها را تغییر داده است. این تغییرات نیازمند اقدامات امنیتی جدیدی است.^{۲۰} تکنولوژی ارتباطات اگر برای مردمان ضرری به ظاهر نداشته باشد، برای دولت ها یقیناً پتانسیل ایجاد مشکل را دارد. به عبارت دیگر فناوری ارتباطاتی مانند ماهواره ها، اینترنت و غیره هستند که به راحتی مرزهای ملی را در نوردیده و به شدت آسیب پذیر ساخته اند. این فناوری های ارتباطاتی در عصر انفجار اطلاعات، ارزش های سیاسی جدیدی را به شهروندان در سطح جهان ابلاغ و مخابره می کنند و نقش بسزایی در افزایش آگاهی های سیاسی و اجتماعی آنان و به چالش طلبیدن اقتدار و حاکمیت دولت های ملی داشته و خواهند داشت.^{۲۱}

بسیاری از دولت ها و جوامع ایدئولوژی، که عمدتاً کشورهای در حال توسعه (حدود ۷۰ درصد از جمعیت جهان) می باشند، این فناوری نوین را بر نمی تابند و آن را در تضاد با هویت و فرهنگ خویش می بینند. یکی از دستاوردهای برجسته انقلاب ارتباطات، تضعیف پایه های حکومتی دولت های مزبور می باشد. اصولاً تکنولوژی جدید، حاکمیت کشورهایی را به تحلیل می برد که مردمانشان را از دانستن حقیقت منع می کنند و برای پایا ماندن نظامشان نمی خواهند که آن ها به علم و تکنولوژی

¹⁷ Kumar, Sangeet, Op. cit, P. 158

^{۱۸} خانی، عبدالله، جنگ نرم (۳) نبرد در عصر اطلاعات، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ دوم، اسفند ۱۳۸۷، ص ۱۰

¹⁹ Kumar, Sangeet, Ibid, P. 159

^{۲۰} خانی، عبدالله، پیشین، ص ۲۶

^{۲۱} پرویزی، بهزاد، "جهانی شدن و انقلاب ارتباطات"، مجله روابط عمومی، شماره ۵۲، تیر و مرداد ۱۳۸۶-۱۳۸۷، ص ۲۲

نویسنده دست یابند. عمده کشورهای که ارتباط مردمشان با سیستم ارتباطی و اطلاعاتی جهانی را برای نظام خود مضر می دانند، حکومت های دیکتاتور و اقتدار طلبی هستند که جهت ادامه حیات حکومتشان، موانعی را جهت دسترسی به اطلاعات ایجاد می کنند. به همین منظور است که دولت های ملی تلاش خود را بر کنترل این پدیده بزرگ متمرکز کردند و لذا روند رو به رشد بستن وب سایت ها و پارازیت بر روی امواج ماهواره ها آغاز گردید.^{۲۲} مؤثرترین نقش رسانه ها در فرایند جهانی شدن، ایجاد دگرگونی و تغییر فرهنگ ها، سیاست ها و ... است. رسانه ها مانند مکان هایی برای داد و ستد فرهنگ ها می مانند و آن را به شکلی آرام و مستمر به مردم القاء می کنند.^{۲۳}

بنابراین می توان گفت که رسانه ها نقش بسزایی در ایجاد و رشد هم گرایی جهانی داشته اند، ولی باید این نکته را ذکر کرد که «همه دانشمندان کاملاً معتقد بر تأثیر رسانه ها در جهانی شدن نیستند»، ولی اکثریت آن ها بر مؤثر بودن رسانه ها در هم گرایی فرهنگی ها از طریق رسانه ها اتفاق نظر دارند و رسانه را ابزاری می دانند که می تواند فرهنگ ها و تمدن های متفاوت بشری را به یکدیگر نزدیک کند و پارادایمی^{۲۴} مناسب برای فرهنگی واحد گردد.^{۲۵}

بند دوم: امپریالیسم تبلیغاتی بین المللی

در بسیاری از مواقع، تبلیغات بین المللی مانعی در راه تفاهم بین المللی است؛ زیرا تبلیغات بین المللی ملتزم به واقع گرایی نمی باشد، بلکه حقایق را مسخ می کند، نظر دیگری که مورد تأیید خود است را آشکار می کند و معمولاً با دروغ و وضع جنبه های دیگر موضوع که برایش مفید است عمل می نماید. تبلیغات بین المللی بر مسخ حقایق و خدمت به یکی از طرف های درگیر و هجوم یا رویارویی با طرف دیگر تکیه دارد. می توان این مسأله را چنین تبیین کرد که تبلیغات بین المللی یکی از ابزارهای سیاست خارجی کشورهاست و در نتیجه در برخورد با وسایل دیگر تلاش می کند تا در خدمت این سیاست باشد. از این جاست که واقع نگری یا عدم تحریف حقایق و دروغ (که معمولاً دشمن سعی دارد طرف مقابل متوجه آن نشود) و تبدیل جنبه های موضوع به شکل معین در چارچوب تحقق اهداف سیاست خارجی کشورها قرار می گیرد. این عمل به تشریح سوء توزیع منابع جهانی خبر کمک می کند؛ زیرا با وجود امکانات اقتصادی، پیشرفت فناوری و سیاست های خارجی پیشرفته تر، امکان تأسیس خبرگزاری های بین المللی با نفوذ، مجلات و روزنامه ها در محدوده جهانی، امکان استفاده از ماهواره ها و ارسال اطلاعات در یک لحظه به مسافت های بسیار دور را در اختیار بشر قرار می دهد. بدین گونه وسایل تبلیغاتی به سلاحی خطرناک در دست قدرت های بزرگ تبدیل گردیده است. همچنین پیشرفت فناوری تبلیغات و علوم ارتباطات موجب بالا رفتن حجم امکانات تبلیغات بین المللی شده است. بدین روی این وسایل در تشویق به جنگ و برانگیختن تعصبات ملی، نژادی و مذهبی مورد استفاده قرار می گیرند. تبلیغات وسیله ای برای هدایت افکار عمومی کشورهای دیگر است؛ تفکر افراد در انحصار وسایل تبلیغات درآمده و موجب گردیده است تا آن ها بدون درک، به مفاهیمی روی آورند که در بردارنده یک جنبه از حقیقت

²² VISNER, SAMUEL, SOEREIGNTY IN THE INFORMATION AGE/INFORMATION TECHNOLOGY'S CHALLENGES TO GLOBAL GOVERNANCE, WORLD POLITICAL REVIEW, 2009, P. 5

²³ O'Siochru, Sean, May., Social Consequences of the globalization of the media communication Sector: some strategic considerations, Policy Integration Department working Commission on the Social Demarcation of Globalization International Labour office Geneva, Working Paper, 2004, P.P. 1-2

²⁴ - Paradigm

(پارادایم عبارت از یک مفهوم یا فکر و یا الگوی متمایز است)

²⁵ Cottle, Simon and Mugdha, Rai, ((Between display and deliberation: analyzing TV news as communicative architecture)), Media Culture Society, 28, 2006, P. 47

است و با تکرار این جنبه به این عقیده پایدار می‌رسند که تمام حقیقت همین است و بس. این کار پاسخ به جنبه‌های دیگر حقیقت را مشکل می‌نماید، اگرچه به طریقی بتوان متعرض آن گردید. معمولاً روش‌های تربیتی، که به گونه‌ای با تبلیغات ارتباط دارد، به این مسأله کمک می‌کند و این خود عاملی اساسی در پیشرفت اجتماعی است. بعنوان مثال، قدرت تبلیغات صهیونیستی و تاریخ طولانی آن که بر تبلیغات عربی پیشی دارد، موجب گردیده است که افراد زیادی در کشورهای جهان به یک جنبه از حقایق مربوط به مسأله فلسطین و درگیری اعراب و اسرائیل دست یابند. با تکرار این بخش از حقیقت توسط تبلیغات صهیونیستی، افراد به این عقیده می‌رسند که حق همین است و بس. این مسأله کار مشکلی که تبلیغات عربی با آن مواجه است را تفسیر می‌کند. اگر وسایل تبلیغاتی بعنوان وسیله‌ای برای تحمیل مفاهیم گروه حاکم بر محکومان و یا تحمیل صاحبان قدرت اقتصادی به کار گرفته شود، نیرویی به وجود خواهد آورد که اقلیتی می‌تواند مفاهیم خود را بر اکثریت تحمیل نماید، همچنین منجر به سقوط ارزش فرد در بسیاری از اجتماعات خواهد شد؛ زیرا نه تنها نقش انسان در گرفتن اخبار در یک جریان خودکار غیرارادی محصور خواهد شد و بلکه موجب خواهد گردید که فرد نظر خود را پنهان دارد و یا به گونه‌ای پنهان از ترس نخبگان حاکم، به ابراز آن پردازد. بدین گونه رشد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نابرابر جهان به نوبه خود موجب رشد نابرابر وسایل تبلیغات می‌گردد. در بررسی یونسکو در سال ۱۹۵۵ میلادی آمده است: «تمرکز وسایل تبلیغاتی، در کشورهای پیشرفته است و ۷۰ درصد ساکنان جهان از حداقل امکانات در حصول بر اطلاعات اساسی برخوردارند و اگر نسبت جهانی بی‌سوادی را در کشورهای مختلف جهان مد نظر قرار دهیم، خواهیم دید که میان کشورهای پیشرفته و کشورهای عقب مانده در زمینه آزادی تبلیغات فاصله‌ای عمیق وجود دارد، نتیجه آنکه: «مادامی که بخش وسیعی از افراد بشر از مشارکت برابر در ارتباطات بین‌المللی ناتوان باشند، آنچه که به حقوق برابر آزادی‌ها خوانده می‌شود چیزی جز سخریه نخواهد بود».

بند سوم: حقوق کودک در مقابل تعرضات رسانه‌های فراملی

لف) کودک؛ حق دسترسی به اطلاعات و آثار زبانبار رسانه‌های فراملی: امروزه بر طبق حقوق بین‌الملل بشر، حق دسترسی به اطلاعات به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر کودکان قلمداد می‌شود. از جمله می‌توان به ماده ۱۷ کنوانسیون حقوق کودک اشاره نمود که مقرر می‌کند: «کشورهای طرف کنوانسیون به عملکرد مهم رسانه‌های گروهی فراملی واقف بوده و دسترسی کودک به اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون و بین‌المللی، خصوصاً مواردی که مربوط به اعتلای رفاه اجتماعی، معنوی یا اخلاقی و بهداشت جسمی و روحی وی می‌شود را تضمین می‌کنند. در این راستا کشورها اقدامات ذیل را به عمل خواهند آورد:

- ۱- تشویق رسانه‌های گروهی فراملی به انتشار اطلاعات و مطالبی که برای کودک استفاده‌های اجتماعی و فرهنگی داشته و با روح ماده ۲۹ نیز مطابق باشد،
- ۲- تشویق همکاری‌های بین‌المللی در جهت تولید، مبادله و انتشار این گونه اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون فرهنگی، ملی و بین‌المللی،
- ۳- تشویق تولید و انتشار کتاب‌های کودکان،
- ۴- تشویق رسانه‌های گروهی فراملی جهت توجه خاص به احتیاجات مربوط به آموزش زبان کودکانی که به گروه‌های اقلیت تعلق دارند یا بومی هستند،
- ۵- تشویق توسعه خط‌مشی‌های مناسب در جهت حمایت از کودک در برابر اطلاعات و مطالبی که به سعادت وی آسیب می‌رساند، با توجه به مفاد مواد ۱۳ و ۱۸.^{۲۶}

ماده ۱۷ کنوانسیون حقوق کودک به کودکان حق دسترسی به اطلاعات را اعطا می‌کند. نکته قابل توجه این است که به نظر برخی از مفسران، ماده ۱۷ متضمن حق مطلق نیست؛ زیرا برخی اقسام اطلاعات ممکن است برای کودکان مضر باشد. لذا اطلاعاتی که کودکان دریافت می‌کنند، باید برای آنها مفید بوده و به آنان زیان نرساند.^{۲۷}

^{۲۶} شایان فر، نازنین، "کودک؛ حق دسترسی به اطلاعات و آثار زبانبار رسانه‌های فراملی"، پایگاه تحلیلی خبری زنان و خانواده، ۱۷ مهر ۱۳۹۲، ص ۱

ب) ایرادات وارد بر اسناد بین‌المللی در مورد حق کودک بر دسترسی به اطلاعات:

ایراد اول: ماده ۱۷ کنوانسیون به عنوان یکی از مهم‌ترین مستندات حقوق بین‌الملل بشر مبنی بر به رسمیت شناختن حق دسترسی به اطلاعات است، لکن به دلیل وجود برخی ابهامات مبنی بر عدم حمایت کافی از کودک در مقابل آثار زیانبار رسانه‌های فراملی خصوصاً در سنین خردسالی، کودکی و نوجوانی به عنوان یکی از اختلاف‌برانگیزترین مواد در رویه دولت‌های عضو قلمداد می‌شود.

ایراد دوم: با توجه به تعریف موسع کنوانسیون از کودک، بطوری که مطلقاً شامل کلیه افراد زیر ۱۸ سال می‌شود، بی‌تردید اطلاعات مورد نیاز و مفید برای یک فرد در بازه سنی خردسالی تا سن هجده سالگی بسیار متفاوت است؛ اطلاعات مفید برای یک جوان ۱۸ ساله می‌تواند برای یک کودک نه تنها مفید بلکه کاملاً زیانبار باشد. حال این سؤال مطرح است که اسناد حقوق بشری با اطلاق عنوان «کودک» به یک فرد از بدو تولد تا سن هجده سالگی و وضع حقوق کاملاً یکسان برای وی در این بازه سنی، چگونه خواهند توانست ادعای خود مبنی بر تأمین مصالح و منافع عالی‌ه وی را محقق سازند؟^{۲۸}

ج) ابراز نگرانی کمیته حقوق کودک از آثار زیانبار رسانه‌های فراملی

اگرچه فقط یک پاراگراف فرعی از ماده ۱۷ کنوانسیون حقوق کودک، ناظر بر نگرانی حمایت از کودکان در مقابل برنامه‌های زیانبار است، کمیته حقوق کودک در مورد کودکانی که در معرض اطلاعات نامناسب قرار دارند، ابراز نگرانی می‌کند. از این رو کمیته مکرراً تأکید دارد که دولت‌های عضو باید اقدامات وسیع‌تری برای حمایت از کودکان در مقابل اطلاعاتی که برای رشد و پیشرفت آن‌ها زیانبار است انجام دهند و بطور نمونه به مطالبی که حاوی خشونت و پورنوگرافی (هرزه‌نگاری) است، اشاره شده است.

نکته جالب توجه این است که اکنون بعد از گذشت بیش از دو دهه از تصویب کنوانسیون حقوق کودک، ابراز نگرانی دولت‌هایی نظیر لهستان در خصوص حمایت از کودکان در مقابل آثار زیانبار رسانه‌های فراملی به منصفه ظهور رسیده و خود کمیته نیز در این رابطه ابراز نگرانی کرده^{۲۹} و در اجلاس سیزدهم، کمیته حقوق کودک بحثی را در مورد کودک و رسانه‌های فراملی دنبال نمود.

در این اجلاس بر ضرورت وجود اصول راهنمای رسانه در مورد استفاده کودکان تأکید شد. برخی از نمایندگان در مورد اتخاذ اقدامات مؤثرتری جهت ایجاد محدودیت در دسترسی کودکان به مطالب زیان‌آور مانند پورنوگرافی، میل جنسی به کودکان و خشونت، پیشنهادهایی را مطرح نمودند. همچنین اشاره ویژه‌ای نیز به معضلات ناشی از اینترنت و ضرورت ارتقای نرم‌افزاری برای محدود کردن دسترسی کودکان به وب‌سایت‌های زیان‌آور شد و ایجاد راهکارهایی جهت تقسیم مسئولیت برای ارزیابی مطالب توسط صاحبان صنایع، والدین، معلمان و در جای مقتضی، خود کودکان مورد توجه قرار گرفت.^{۳۰}

یکی از پیشنهادات مطرح شده در اجلاس سیزدهم، این بود که دولت‌های عضو با شرکت‌های رسانه‌ای برای حفاظت از کودکان در مقابل آثار زیانبار برنامه‌ها تعامل و همکاری نمایند؛ بطور مثال، برنامه‌های خشونت‌بار در ساعات معینی پخش نشود. پیشنهاد دیگر ناظر بر تدوین یک برنامه عمل ملی برای توانمندسازی والدین در عرصه رسانه بود. به این ترتیب که ایفای نقش والدین به عنوان راهنمای کودکان از طریق ارائه اطلاعات رسانه‌ای مورد تقویت و حمایت قرار گیرد. چنین اصول راهنمایی مطابق با این اصل است که والدین برای آموزش کودکان از مسئولیت اولیه برخوردارند. کمیته معتقد است اگرچه دولت باید به والدین در ایفای نقششان در جهت راهنمایی کودک مساعدت نماید، از جمله اینکه اطلاعات کافی در مورد محتوای برنامه‌های تلویزیونی، بازی‌های کامپیوتری و دیگر رسانه‌ها را در اختیار والدین قرار دهد، اما کمیته صریحاً معتقد است که در نهایت، والدین برای نظارت بر استفاده کودکان از رسانه‌های فراملی -همچون ماهواره و اینترنت- مسئول بوده و

²⁷ Siyeon, Lae, "Children's Rights to Access Information", in: Janathan Todres, Mark E. Wojcik, Cris R. Revaz (eds.), The UN Convention on the Rights of the Child, Transnational Publishers, 2006, P. 177

^{۲۸} شایان فر، نازنین، پیشین، ص ۱

²⁹ Siyeon, Lae, Op. cit, P.P. 178-179

³⁰ UN Rights of the Child, 13 th Sess., at 253, UN Doc. CRC/C/57, 1996

مسئولیت اولیه در این زمینه متوجه آنان است.^{۳۱} یکی از آشکارترین نگرانی‌های موجود در خصوص رابطه کودک با رسانه، دستیابی او به اطلاعات و مطالبی است که برای اطفال و یا اصولاً برای همگان زیان‌آور است. این نگرانی، مخصوصاً با پیدایش اینترنت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی ماهواره‌ای بسیار جدی‌تر شده و مربیان و صلاح‌اندیشان جامعه بشری را با دغدغه‌های بزرگ مواجه ساخته است. دسترسی کودکان به اطلاعات و موضوعات خشونت‌بار، عکس‌ها، تصاویر و مطالب مستهجن، آموزش‌های نادرست جنسی، روابط و تفریحات نامشروع و ناسالم و باورها و تبلیغات ضد دینی و خلاف اخلاق تنها نمونه‌هایی از هشدارهایی است که درباره روابط کودک و رسانه‌های فراملی مطرح می‌شود. انزواگزینی و خیال‌پردازی، افت تحصیلی، آسیب فرهنگی و شخصیتی، پرخاشگری و تنش‌زایی، کاهش میزان مطالعه و بالاخره خمودی و زیان‌های جسمی کودکان از دیگر نگرانی‌های موجود است که در حوزه‌هایی مثل علوم اجتماعی و تربیتی، ارتباطات و حقوق مورد مطالعه قرار می‌گیرد.^{۳۲} جریان پژوهش‌ها و مطالعات به عمل آمده پیرامون وضعیت کودکان؛ خلاصه و مروری از جریان‌ها، گرایش‌ها و روندهای کنونی بین‌المللی در زمینه مواد رسانه‌ای، از جمله تحقیقات مربوط به کودکان و رسانه‌ها که با اسامی منتخبی از سازمان‌ها و وب‌سایت‌های مربوطه تکمیل می‌شود، همگی نشان‌دهنده آثار مخرب رسانه‌های فراملی بر کودکان است که علاوه بر آنکه کاملاً منافی حقوق کودک می‌باشند، در شکل‌گیری یک شخصیت ناهنجار و ضد اجتماع از کودک مؤثر هستند. مهم‌ترین موضوعاتی که در این عرصه به آن‌ها پرداخته شده است، عبارتند از: حقوق کودک، پژوهش‌های رسانه‌ای، تأثیرات خشونت رسانه‌ای، آموزش رسانه‌ای، تصویر کودکان در رسانه‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، آگهی‌های تجاری، پیمان‌نامه‌ها و قطعنامه‌ها، سازمان‌ها و شبکه‌های مربوط به کودکان و غیره.^{۳۳} برای رفع این نگرانی‌ها، نیاز به تدوین برنامه جامع حمایتی قطعی است و بدون تردید در این برنامه، تدوین قوانین و مقررات حقوقی در کنار تنظیم راهنمای عملی و نیز نظام‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای از اولویت فراوانی برخوردار است. برای این منظور در حوزه حقوق بین‌الملل گام‌هایی برداشته شده است. افزون بر اختصاص موادی از «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به این موضوع، «اعلامیه حقوق کودک» و مهم‌تر از آن «کنوانسیون حقوق کودک» توجه خاصی به تبیین اصول حقوق کودک در برابر رسانه‌ها نشان داده‌اند. در بخش حقوق کودکان باید اشاره کرد که: «مفاد کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، از سال ۱۹۸۹ برای کودکان زیر هجده سال دارای اعتبار قانونی شده است و بطور رسمی از سوی تمام کشورها به استثنای سومالی و ایالات متحده آمریکا مورد تأیید قرار گرفته است. در این کنوانسیون چهار اصل اساسی بعنوان راهنمای تصمیم‌گیری‌های سیاسی اثرگذار بر کودکان به این شرح آمده است:

- ۱- کنوانسیون تصریح دارد که این تصمیم‌گیری‌ها باید با توجه به رعایت بیشترین مصلحت‌اندیشی‌ها برای کودکان بعنوان اصلی‌ترین ملاحظات در نظر گرفته شود
 - ۲- عقاید کودکان باید شنیده شود و حداکثر اهتمام ممکن به عقاید و افکار و علایق آن‌ها نهاده شود
 - ۳- نه تنها حیات و بقای کودکان، بلکه رشد و شکوفایی آنان نیز باید تضمین شود
 - ۴- نباید هیچگونه تبعیضی در بین کودکان برقرار باشد و هر کودکی باید بتواند از حقوق خود بهره‌مند شود.
- در دسته بندی استدلال‌های طرفداران و مخالفان حق تبلیغ برای کودکان دو گروه و در واقع دو نظریه وجود دارد که عبارتند از: ۱- گروه طرفداران و ۲- گروه مخالفان؛
- گروه طرفداران معتقدند که: «گردانندگان تلویزیون برای آنکه بتوانند برنامه‌هایی برای کودکان تولید کنند، وابسته به همین درآمدهای تبلیغاتی‌اند و بدون وجود این آگهی‌ها، کسی قادر به تولید برنامه‌های با کیفیت برای کودکان نخواهد بود. کودکان خام، ساده لوح و زودباور نیستند، تبلیغات قسمتی از زندگی است و کودکان باید یاد بگیرند که چگونه با آن

³¹ Siyeon, Lae, Ibid, P. 180

³² اسماعیلی، محسن، "حقوق کودک در برابر رسانه‌ها"، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۳۲

³³ بهرامی، کمیل، "نظام، کودک و جریان بین‌المللی رسانه"، نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۰۰ و ۱۰۱، فروردین

برخورد کنند. کودکان را نمی توان در هاله ای پیچید و آن ها را از دنیای خارج که آگهی های تجاری قسمتی از آن هستند دور کرد. عواقب تحریک آگهی های تبلیغاتی برای کودکان در تلویزیون، در عمل، به تولیداتی محدود با هزینه بیشتر و نوآوری کمتر خواهد انجامید. -در مقابل گروه مخالفان پخش آگهی های تبلیغاتی برای کودکان بر این اعتقادند که: «کودکان نمی توانند بین آگهی های تبلیغاتی و برنامه های دیگر چندان فرقی بگذارند و توانایی آن را ندارند که هدف تبلیغات را درک کنند. کودکان نقاد نیستند، آن ها نمی توانند نقاد و موشکاف باشند و نباید هم باشند. کودکی دوره ای از زندگی است که فرد باید در آن دوره از همه چیز تأثیر بگیرد و هر چیزی را که می بیند و می شنود باور کند تا بتواند یاد بگیرد و بزرگ شود، این سادگی و زود باوری نباید مورد بهره برداری و استثمار قرار گیرد. هیچ پیوند روشنی بین تبلیغات و تولید برنامه های پر کیفیت برای کودکان وجود ندارد و تبلیغات نمی تواند تضمینی برای تولید این نوع برنامه ها باشد.»^{۳۴}

گفتار دوم: نقض اصول حقوق بین الملل توسط رسانه های فراملی

بند اول: بحران سازی رسانه های فراملی

تسلط بر رسانه ها و خبرگزاری ها، قدرت عظیم و فوق العاده ای به بازیگران صحنه های سیاسی و دولتی بخشیده است، به گونه ای که با بکارگیری اهرم های خبری و اطلاعاتی قادر به تغییر باورها و نگرش های جمعی یا شکل دهی به افکار عمومی، ملی و فراملی شده اند، ضمن آنکه سوء استفاده گروهی بعنوان ارباب رسانه های فراملی، آن ها را قادر ساخته است که به مستبدان اطلاعاتی تبدیل شوند.^{۳۵} به همین دلیل، امروز بحث از امپریالیسم خبری، تراست های اطلاعاتی، کارتل های رسانه ای یا استعمار فرهنگی، بویژه در پرتو انقلاب اطلاعاتی رواج گسترده ای پیدا کرده است. خبرگزاری ها در رسانه های جمعی و خصوصی، با اتکا به فناوری به ارائه چهره ای مخدوش از برخی حکومت ها، فرهنگ ها، ملت ها یا ادیان می پردازند و به شکلی نظام مند در ایجاد بحران، جهت دهی به افکار عمومی جهان و شکل گیری عقاید و گرایش ها و رفتارهای مورد نظر خود تلاش می کنند. چند دهه پیش نیز مارشال مک لوهان کانادایی پیش بینی کرده بود که جنگ های آینده با تسلیحات جنگی در میدان های نبرد رخ نخواهد داد، این جنگ ها با تصوراتی رخ خواهند داد که رسانه های جمعی به مردم القاء می کنند.^{۳۶}

الف) بحران سازی از طریق ماهواره ها: در اوایل دهه ۸۰ میلادی، تصور وجود امکانات دریافت اطلاعات از ماهواره در خانه ها بسیار دشوار بود، اما در اوایل دهه ۹۰ میلادی در سراسر جهان این امر محقق گردید و به سرعت رشد پیدا نمود. در حال حاضر صنعت بسیار بزرگی در خدمت تولید، فروش و ارائه خدمات مربوط به تلویزیون های ماهواره ای جریان دارد. ماهواره های ارتباطی در آغاز به ارائه سیگنال برای شبکه های تلویزیونی و سیستم های تلویزیون کابلی می پرداختند، اما اکنون به پخش مستقیم برای خانه ها نیز می پردازند و همه مردم می توانند از آن ها استفاده کنند. این امر حرکت کشورها و سازمان های منطقه ای و بین المللی به سوی ساخت و پرتاب ماهواره های تلویزیونی را شدت بخشیده است؛ بطوریکه اکنون اسامی ماهواره ها، دارای مشخصه کشوری و ملی همچون نیل ست^{۳۷}، عرب ست^{۳۸} و ... است. این ماهواره ها در کنار پخش تلویزیونی، برنامه های رادیویی نیز برای مردم پخش می کنند.^{۳۹} گسترش ماهواره های پخش مستقیم^{۴۰} بسیار برای دولت ها چالش

^{۳۴} بهرامی، کمیل، همان، صص ۳۷-۳۹

^{۳۵} عیوضی، محمد رحیم، پیشین، ص ۵۹

^{۳۶} همان، ص ۶۰

^{۳۷} Nilsat

^{۳۸} Arabsat

^{۳۹} ضیایی پرور، حمید، جنگ نرم (۲) ویژه جنگ رسانه ای، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ ششم، دی ماه

۱۳۸۹، ص ۹۹

^{۴۰} DBS

برانگیز است و مدیریت و کنترل دولت های ملی را بر شهروندان خود با بحران مواجه می کند. مردم به راحتی با گیرنده های ماهواره، برنامه های ماهواره ای را دریافت می کنند. هم اکنون بیش از پنجاه هزار ماهواره، در فضای اطراف زمین در گردش اند. البته تعدادی از آن ها از کار افتاده و تنها به صورت توده هایی فلزی و بی مصرف درآمده اند، لیکن تعداد کثیری نیز هنوز در تمام ساعات شبانه روز سرویس های مخابراتی و تلویزیونی بین قاره ای را تأمین می کنند. کانال های خبری مانند سی ان ان، بی بی سی، الجزیره و دیگر کانال های ماهواره ای خبری ۲۴ ساعته، سریعاً اخبار سراسر دنیا را مخابره می کنند.^{۴۱} امروزه ماهواره های ارتباطی قادر هستند به صورت مستقیم، یک سوم سطح زمین را زیر پوشش قرار دهند و با برخورداری از تکنولوژی های بسیار پیشرفته، به مشاهده، ثبت و گزارش هرگونه حرکتی بر روی کره زمین بپردازند. یکی از راه هایی که ماهواره ها می توانند به صورت جدی امنیت ملی را تهدید کنند، استفاده از ماهواره های جاسوسی است. استفاده جاسوسی از ماهواره ها به تهدیدی علیه همه کشورها تبدیل شده است. کشورهای اندکی که در رأس آن ها آمریکا قرار دارد، بیشترین استفاده را از این فناوری در جمع آوری اطلاعات محرمانه نظامی، سیاسی، صنعتی، اقتصادی و... می برند. وزارت دفاع آمریکا قبل از آغاز حمله به عراق، رسماً اعتراف کرده بود که: «این ماهواره ها بودند که درباره نخستین جایجایی ارتش عراق هشدار دادند». همچنین در حادثه غم انگیز برخورد هواپیمای نظامی در آسمان تهران، در ۲۹ بهمن ۱۳۷۱ که منجر به کشته شدن بسیاری از هم وطنانمان گردید، قبل از آن که مردم ایران، از طریق رسانه های همگانی از این خبر مطلع شوند، ماهواره بی بی سی، با ارسال عکس های ماهواره ای از محل سقوط هواپیما، این گزارش غم انگیز را برای جهانیان مخابره کرد.^{۴۲} پس مشاهده می کنیم، هنگامیکه ماهواره ها جولانی مدام بر گرداگرد زمین را آغاز کردند، تنها به عبور و حضور در فضای جو بسنده نکردند، بلکه کم کم ورودی دزدانه و نامرئی به خلوتگاه حاکمیت ملی دولت ها یافتند. توانایی شگفت انگیز ماهواره ها در گستراندن سایه بر بخش پهناوری از زمین و ارسال سیگنال های حامل برنامه های تلویزیونی به سراسر کره خاکی، ابزاری مناسب و شمشیری برنده در دستان مهاجمان عنان گسسته ای شد، تا در روشنایی سیارات آتشین کهکشان، به «راهزنی ماهواره ای» یا «تجاوز سیگنالی» بپردازند و پنهان و آشکارا به دخالت در امور اجتماعی، فرهنگی و سیاست داخلی کشورها دست یازند و باورها و ارزش های دینی و اخلاقی و سنت بومی و ملی ملت های مختلف را به چالش کشانند.^{۴۳}

ب) **بحران سازی از طریق اینترنت:** اینترنت رسانه جدیدی است که امکانات فوق العاده و خاصی دارد که به راحتی قادر به ایجاد بحران می شود. برای مثال؛ سازمان های حقوق بشری مانند: سازمان عضو بین المللی^{۴۴}، دیده بان حقوق بشر^{۴۵} و... از طریق اینترنت می توانند برای دولت ها چالش بسیاری ایجاد کنند؛ بعنوان نمونه: عضو بین المللی در سال ۱۹۹۷ اسامی ۲۰۰۰ زندانی سیاسی را در چین منتشر کرد. همین کافی است که در کل دنیا این خبر اطلاع رسانی گردد و چهره آن کشور را در جامعه بین المللی مخدوش سازد.^{۴۶} امروزه خبرگزاری های اینترنتی بین المللی یکی از عمده ترین ابزارهای بحران سازی رسانه ای در جهان محسوب می شوند. این خبرگزاری ها مانند آسوشیتدپرس^{۴۷} و یونایتدپرس^{۴۸} و... هر روزه با تولید میلیون ها کلمه خبر و مخابره آن با پیشرفته ترین تکنولوژی های ارتباطی، فرایند اطلاع رسانی جهانی را تحت نفوذ و کنترل خود دارند. آن ها

⁴¹ M. Lord, Kristin, The Perils and Promise of Global Transparency, state University of New York Press, 2006, P. 7

⁴² ضیایی پرور، حمید، پیشین، ص ۱۳۲

⁴³ بردبار، محمد حسن، درآمدی بر حقوق ارتباط جمعی، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۱۵۲-۱۵۱

⁴⁴ Amnesty International

⁴⁵ HRW

⁴⁶ Brophy, Peter and Halpin, Edward, ((Through the Net to freedom: information, the Internet and human rights)), Journal of Intormation Science, 1999, 354

⁴⁷ AP

⁴⁸ UP

می‌توانند با سانسور یک خبر یا دادن پوشش وسیع به یک رویداد، افکار عمومی جهان را له یا علیه آن مسأله برانگیزند. اهمیت خبرگزاری‌ها زمانی آشکار می‌شود که بدانیم اکثر مطبوعات، خبرگزاری‌های ملی و منطقه‌ای و شبکه‌های رادیو-تلویزیونی، اخبار و اطلاعات عمده خود را از این آژانس‌های خبری دریافت می‌کنند.^{۴۹}

ج) استفاده از سرزمین تحت حاکمیت یک دولت به منظور ایراد لطمه به امنیت و نظم عمومی دیگر کشورها: در حقوق بین‌الملل امروزه یکی از اصول شناخته شده این است که هیچ دولتی حق ندارد اجازه بدهد از سرزمین و قلمرو تحت حاکمیت او به منظور ایجاد خسارت یا لطمه به امنیت و نظم عمومی کشور دیگری استفاده گردد. این یک قاعده اصیل حقوق بین‌الملل است که یک دولت نباید اجازه بدهد از سرزمین او به منظور ایراد ضرر و خسارت به کشورهای دیگر استفاده شود. در این خصوص، محتوا و دامنه شمول مسئولیت دولت در حقوق بین‌الملل عرفی، در مورد دو پرونده «ایالات متحده و کانادا»؛ یعنی داوری «تریل اسملتر»^{۵۰} و داوری «سد گات» مشخص شده است.^{۵۱} در تشریح این قسمت باید اذعان کرد: هنگامیکه در قضیه داوری «تریل اسملتر»، دادگاه در تصمیم نهایی خود این اصل عمومی حقوق بین‌الملل را به رسمیت می‌شناسد که بر آن اساس: «هر دولت موظف است که از سایر دولت‌ها در مقابل اعمال زیان‌آوری که در چارچوب قلمرو تحت صلاحیت او اتفاق می‌افتد، حفاظت نماید»^{۵۲}؛ می‌توان دریافت هنگامیکه یک دولت به سبب یک تعرض مادی و فیزیکی که از قلمرو سرزمین‌اش به قلمرو سرزمینی یک دولت دیگر صورت می‌گیرد، از نظر بین‌المللی مسئول شناخته می‌شود، به طریق اولی اگر یک دولت اجازه بدهد که با استقرار و فعالیت رسانه‌های فراملی در سرزمین و قلمرو تحت حاکمیت او به حاکمیت و امنیت و نظم عمومی کشورهای دیگر خسارت یا لطمه‌ای وارد گردد، بدون هیچ شک و شبهه‌ای مسئولیت بین‌المللی این دولت محقق خواهد شد، چرا که با یک اقدام فیزیکی و تحقق یک تعرض مادی، نهایتاً یک محیط و منطقه خاص دچار لطمه و آسیب می‌شود و پس از مدتی نیز آثار و بقایای آن از بین می‌رود؛ ولی تعرض رسانه‌های فراملی به هیچ وجه محدود و منحصر به یک محیط و منطقه خاص و یا حتی مقید به یک برهه از زمان نمی‌شود و با جرأت می‌توان گفت که تأثیرات رسانه‌های فراملی تا آنجاست که به راحتی هرچه تمام‌تر همه مرزهای امنیتی دولت‌های متأثر از این رسانه‌ها را در نوردیده و نه تنها می‌تواند متعرض به اصول و موازین حقوق بین‌الملل بشود بلکه می‌تواند کنترل یک دولت بر ملت خویش را دچار تزلزل نمایند و نیز تأثیرات این رسانه‌ها معزلات فرهنگی و اجتماعی را نیز در پی خواهد داشت که اصلاح و یا پاکسازی این معزلات سالیان سال و چه بسا قرن‌ها به طول می‌انجامد؛ و لذا چنین آثار مخرب و فراگیری به هیچ وجه قابل مقایسه با لطمه‌های مادی و فیزیکی نمی‌باشد.

د) حق واکنش در قبال پخش مستقیم امواج، سنجش از راه دور و ارتباطات اینترنتی: چند سالی است که یونسکو در صدد است نظامی در حوزه ارتباطات و اطلاعات جهانی به وجود آورد. بسیاری از دولت‌ها خواهان آن هستند که ورود مستقیم امواج به سرزمین آن‌ها و سنجش از راه دور از طریق ماهواره‌ها در داخل قلمروشان با رضایت قبلی آن‌ها باشد. دولت‌های دیگر اعتراض کرده‌اند که این درخواست با اصل حقوق بشر در مورد آزادی اطلاعات مغایر است. در جبهه‌ای که معتقد است ورود اطلاعات باید با رضایت قبلی آن‌ها باشد، اقداماتی در مورد ورود اخبار ناخواسته صورت می‌گیرد. در تمامی اردوگاه‌های ایدئولوژیک ایستگاه‌های خبر پراکنی‌ای وجود دارد که هدف از فعالیت آن‌ها، رساندن خبر به

۴۹ ضیایی پرور، حمید، پیشین، ص ۱۴۰

۵۰ Trail Smelter

۵۱ والاس، ربکا، حقوق بین‌الملل، ترجمه: زمانی، سید قاسم و بهراملو، مهناز، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ سوم،

تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۴۴

(داوری «تریل اسملتر» به خسارتی مربوط می‌شود که در سال ۱۹۲۵ در ایالت واشنگتن، به علت نشت گاز دی‌اکسید سولفور از یک کارخانه ذوب^{۵۲}

فلز در مسیر رودخانه کلمبیا در مسافتی به طول ۱۰ مایل از مرز ایالات متحده و کانادا از سمت کانادا پدید آمد)

ساکنان اردوگاه های دیگر است. در حالی که طرف فرستنده تأکید می کند که چنین فعالیت هایی طبق حقوق بشر - که در آن به هر فرد آزادی عقیده و اطلاعات اعطاء شده است - مجاز است. طرف گیرنده این سخن پراکنی ها را به منزله تبلیغات یا حتی جنگ افروزی توصیف می کند. مسائل آن گاه پیچیده تر می شود که این واقعیت هم در نظر گرفته شود که انتشار تبلیغات تجاری از آزادی عقیده جدا نشدنی است. این واقعیت به نوبه خود در سالهای اخیر به ایجاد ایستگاه های تلویزیونی تجاری در بسیاری از کشورها منجر شده است؛ ایستگاه هایی که بودجه آن ها اساساً از راه تبلیغات تأمین می شود. این ایستگاه ها برای اینکه بیشترین تعداد مخاطب را به سوی خود جلب بکنند باید پایین ترین حد سلیقه عموم را نیز برآورده سازند. از این حیث این خطر برای ایستگاه های موجود - که تحت مالکیت یا اداره شرکت های وابسته به حقوق عمومی (دولتی) بودند و پیش از این در بسیاری از کشورها از موقعیتی انحصاری برخوردار بودند - وجود دارد که این ایستگاه ها مأموریت های تربیتی و فرهنگی نیز بر عهده دارند. از آنجا که بخشی از بودجه این ایستگاه ها نیز از طریق تبلیغات تجاری تأمین می شود، این ایستگاه ها بویژه احساس خطر می کنند. احساسات اوج می گیرند؛ و گاه گفته می شود که چنین سخن پراکنی های خارجی حتی موجودیت هویت فرهنگی ملی ما را به خطر می اندازد. به نظر می رسد در مورد بیم ها و واکنش ها از «استعمار کواکا» اغراق و مبالغه شده باشد، اما دستورالعمل های جامعه اقتصادی اروپا را در مورد سهمیه ارسال امواج از مبدأ اروپا افزایش داده است. پیشرفت های فنی نه تنها ارسال امواج از طریق ماهواره ها به مسافت های بسیار دور را ممکن ساخته است، بلکه یک گیرنده می تواند این امواج را مستقیماً دریافت کند. «اتحادیه بین المللی مخابرات» اهمیت علمی این مسأله را با تخصیص امواج ماهواره ای «برای مقاصد فنی» به نحوی که هر موج با موج مشابه خود از کشور رقیب حداقل تداخل را داشته باشد، تا حدودی کاهش داده است. تداخل بیشتر فقط پس از کسب رضایت قبلی کشور ذی ربط مجاز است. با این حال حتی امواجی که پس از این احتیاط ها ارسال می شوند گاه از مرزهای کشور ذی ربط تا مسافت های قابل ملاحظه ای فراتر می روند^{۵۳}؛ لذا وقوع این پدیده به دلایل فنی اجتناب ناپذیر است.

درباره حقوق بشر در خصوص آزادی اطلاعات و تفسیر قواعدی که در آن ها این اصل در چندین میثاق حقوق بشر محدود شده - مثل ممنوع کردن پخش تصاویر مستهجن - مطالب بسیاری عنوان شده است. اما از دیدگاه علمی راه حل تقریباً ساده است. از نظر فن، متوقف کردن امواج رادیویی روی یک خط مرزی و جدا کردن خوب ها از بدها - اقدامی که طرف دیگر آن را سانسور می نامد - غیرممکن است. از این رو در هیچ یک از اصول حقوق بشر از آزادی هوا، آنچنان که جولانگاه امواج رادیویی ماهیتا بی قید و شرط باشد حمایت نشده است. اما در مقابل آزادی انتقال اطلاعات، آزادی ارسال پارازیت وجود دارد که باز به همان اندازه بی قید و بند است. بدین ترتیب بحث مسأله حقوقی «کسب رضایت قبلی» دیگر مطرح نیست. اگر طبق حقوق بین الملل، ارسال اطلاعات بدون جلب رضایت قبلی غیر قانونی باشد، ایجاد اختلال و پارازیت در چنین امواجی بعنوان یک عمل متقابل متناسب، مجاز است؛ در غیر این صورت ایجاد اختلال و پارازیت به منزله یک عمل متخلفانه بین المللی است.

بند دوم: راه اندازی جنگ رسانه ای

جنگ رسانه ای^{۵۴} یکی از انواع جنگ های نرم^{۵۵} به شمار می رود که در آن سربازان میدان نبرد، خبرنگاران، گزارشگران، سردبیران و نویسندگان رسانه های مختلف اعم از مکتوب (روزنامه ها و مجلات)، صوتی و تصویری (رادیو و تلویزیون)، ماهواره ای و بین المللی (شبکه های ماهواره ای و خبرگزاری ها)، و اینترنتی و الکترونیکی (سایت های اینترنتی و روش های الکترونیکی انتقال پیام) هستند. بنیادی ترین تعریف از جنگ رسانه ای: «استفاده از رسانه ها جهت تضعیف کشور هدف و بهره گیری از توان و ظرفیت آن ها (اعم از مطبوعات، خبرگزاری ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت) به منظور دفاع از منافع ملی است». جنگ رسانه ای یکی از جنبه های برجسته جنگ نرم و جنگ های جدید بین المللی است، که عمدتاً به هنگام درگیری های

^{۵۳} - در لغت به معنی لبریز و سر ریز شدن و در اصلاح به معنی فرا گذر می باشد Spill Over

^{۵۴} Media War

^{۵۵} Soft War

نظامی کاربرد بیشتری پیدا می کند^{۵۶}. اما این به مفهوم آن نیست که در سایر مواقع چنین جنگی در جریان نیست و یا مورد استفاده قرار نمی گیرد. جنگ رسانه ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز به صورت غیر رسمی ادامه می یابد و هر کشوری با حداکثر توان برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش از رسانه ها بهره گیری می کند. سربازان جنگ رسانه ای، کارشناسان تبلیغات، استراتژیست های تبلیغات بین المللی و کارگزاران رسانه ها هستند. جنگ رسانه ای ظاهراً میان رادیو و تلویزیون ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری ها، شبکه های خبری و پایگاه های اینترنتی جریان دارد، اما واقعیت آن است که در پشت این جدال ژورنالیستی، چیزی به نام سیاست رسانه ای یک کشور^{۵۷} نهفته است که بطور مستقیم از بودجه های رسمی مصوب پارلمان ها یا بودجه های سری سازمان های اطلاعاتی، امنیتی یا جاسوسی تغذیه می شود.^{۵۸} قابل ذکر است در جنگ های دو دهه گذشته، بخصوص در جنگ آمریکا و عراق، نقش رسانه بعنوان یکی از ابزارهای قدرتمند جنگی، در کنار سایر ادوات جنگی کاملاً نمایان بوده است. بدین صورت که آمریکایی ها از رسانه برای ترساندن و همچنین منحرف کردن افکار عمومی استفاده می کردند.

الف) چالش بزرگ جنگ رسانه ای و مقابله کشورها با آن: رسانه ها بعنوان ابزار و کانال انتقال پیام می توانند با کاربردهای آموزشی، تبلیغاتی، سیاسی، سرگرم کنندگی و خبری در اولویت قرار بگیرند و در حیطه تبلیغات (سیاسی و فرهنگی) در خدمت برقراری صلح یا تشدید جنگ برای متقاعد سازی افکار عمومی سازماندهی شوند (مرتضوی، ۱۳۸۷، ۷۸)^{۵۹}. شاید مهم ترین وظیفه رسانه، انتقال اطلاعات باشد. اما رسانه وسیله صرف برای انتقال اطلاعات نیست، بلکه رسانه می تواند افکار عمومی، هویت و... را خلق کند یا تغییر دهد. رسانه قادر است احساس مشترکی را که ایجاد کرده تهییج کند و منجر به تحریک طیف عظیمی از مخاطبان خود بشود.^{۶۰}

رسانه در تحریک و تهییج، آماده سازی و امتناع افکار عمومی برای آغاز، پیشبرد و پایان جنگ نقش داشته و فرماندهی نوعی از مهم ترین و اثربخش ترین جنگ ها، یعنی جنگ روانی را برعهده دارد.^{۶۱} بنابراین، رهبران سیاسی در تلاش جهت حفظ اجماع نظر عمومی درباره منازعه، ناگزیرند که شیوه پوشش رسانه ای مربوط به منازعه را مدیریت کنند.^{۶۲} رسانه ها هم می توانند بعنوان فرصت برای گروهی، و هم بعنوان تهدید برای گروهی دیگر باشند. رسانه می تواند فرصتی برای افرادی باشد که اطلاعاتی را از رسانه دریافت می کنند و در عین حال می تواند بعنوان تهدیدی برای افرادی باشد که انتقال اطلاعات مزبور می تواند برای آن ها مضر باشد.^{۶۳} رسانه های فراملی نوین بطور بحث برانگیزی یک چالش جدی را برای دولت ها ایجاد کرده اند. قدرت آن ها فیزیکی نیست، گرچه آن ها ابزارهای فیزیکی مانند کامپیوتر، تلویزیون... دارند، ولی قدرت اصلی آن ها غیرفیزیکی است -مانند تأثیری که آن ها بر اذهان مخاطبان می گذارند- در زمان پیدایش تلگراف، دولت ها

^{۵۶} شایان ذکر است که استفاده از رسانه ها در حین جنگ، نقض آشکار «عدم تبلیغ برای جنگ» می باشد، که خود یکی از استثنائات آزادی بیان و اطلاعات است

^{۵۷} Media Policy

^{۵۸} سلطانی فر، محمد، "رسانه ها، بحران های نوین و جنگ های پست مدرن"، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۴۲ و ۴۳، پاییز ۱۳۸۳، ص ۳۸ و

نیز، عیوضی، محمد رضا، پیشین، ص ۶۱؛ و همچنین، ضیایی پرور، حمید، پیشین، ص ۱۱

^{۵۹} مرتضوی، محمود رضا، پیشین، ص ۷۸

^{۶۰} K. Cheliotis, LEONIDAS, ((The ambivalent consequences Of Visibility: Crime and prisons in the mass media)), Cirmemedia Culture, 6, 2010, P. 3

^{۶۱} Okello – Orlale, Rosemary, Op. cit, P. 3

^{۶۲} سلطانی فر، محمد، "رسانه ها، بحران های نوین و جنگ های پست مدرن"، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۴۲ و ۴۳، پاییز ۱۳۸۳، ص ۳۳؛ و

نیز، مرتضوی، محمد رضا، پیشین، ص ۷۹

^{۶۳} Cottle, Simon and Mugdha, Rai, ((Between display and deliberation: analyzing TV news as communicative architecture)), Media Culture Society, 28, 2006, P. 79

احساس خطر کردند و تلگراف، که وسیله نوین ارتباطی در زمان خود بود را بر نتابیدند. حال اگر دولت‌ها با تلگراف احساس ناامنی کردند، یقیناً این احساس ناامنی و خطر در مورد رسانه‌های فراملی کاملاً چندین برابر است.^{۶۴} به سبب همین نگرانی است که دولت‌ها باید با دید منفی به رسانه‌های نوین فراملی می‌نگرند و با آن‌ها مقابله می‌کنند، صرفنظر از اینکه فعالیت رسانه‌های مذکور، محدودیت‌های حق آزادی بیان و اطلاعات را داراست یا خیر؟

ب) مراحل جنگ رسانه‌ای: طرح جنگ رسانه‌ای دارای سه مرحله پیش از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ است. در مرحله پیش از جنگ، وظیفه طرح جنگ رسانه‌ای، آماده‌سازی افکار عمومی داخلی و منطقه‌ای، افکار عمومی بین‌المللی و افکار عمومی کشور هدف برای آغاز حمله نظامی است. همچنین رسیدن به آمادگی‌های لازم برای حضور و ایفای نقش در مرحله حین جنگ، از جمله برنامه‌های مرحله اول است. در مرحله دوم (حین جنگ) فن‌بمباران خبری و اطلاعاتی به کار گرفته می‌شود و در لا به لای میلیون‌ها خبر، گزارش و بسته رسانه‌ای، واقعیت‌ها پنهان‌نگه‌داشته یا تحریف می‌شوند، یا بر اساس تمایلات و منافع کشور حمله‌کننده، به آن جهت داده می‌شود. در مرحله آخر یعنی در مرحله پس از جنگ، عمده‌ترین وظیفه رسانه‌ها، توجیه وضعیت موجود و تلاش برای تثبیت موقعیت به دست آمده است. مأموریتی که رسانه‌های آمریکایی پس از پایان جنگ آمریکا و عراق انجام دادند، جزء مرحله آخر جنگ رسانه‌ای قرار می‌گیرد.^{۶۵}

بند سوم: استفاده از رسانه‌های جمعی فراملی بعنوان سلاح سیاسی

رادیو، تلویزیون و سینما از جمله رسانه‌های جمعی ارتباطی به شمار می‌روند که تأثیر بسیاری بر مردم دارند. رادیو و تلویزیون میان مردم و حکومت تماس زنده برقرار می‌کنند. دوروزه^{۶۶} می‌گوید: «... عادت بر آن جاری شده است که این طرق نشر اخبار و افکار را، که نتیجه شیوه‌های فنی جدید است، به نام «وسایل خبری توده گیر» بنامند؛ این‌ها سلاح سیاسی بسیار نیرومندی را تشکیل می‌دهند». این مسأله با توجه به انقلاب اطلاعات، که در سراسر جهان صورت گرفته است، روشن‌تر خواهد شد. منظور از «انقلاب اطلاعاتی» آن است که مردم می‌توانند نهادهایی مانند دولت‌ها را پشت سر بگذارند و به هرگونه اطلاعاتی دست یابند، به گونه‌ای که پیش از این توانایی چنین کاری را نداشتند و تصور آن‌ها را هم نمی‌کردند. تفاوت این گونه رسانه‌های اطلاعاتی با تلویزیون، به سبب دوسویه بودن و حتی چندسویه بودن آن‌هاست، و از این رو تأثیر آن‌ها بر اندیشه و تفکر مردم بیشتر است و هرگاه اندیشه کسی دگرگون شود و این دگرگونی بر جامعه حاکم گردد، فرهنگ اجتماعی و مشترک جامعه را دگرگون می‌سازد و در برابر فرهنگی را جایگزین می‌کند که سازندگان این فناوری خواستار آن هستند. مک‌لوهان بر این باور است که در عصر حاضر، به انسان «برون‌راهبر» یا «دگر راهبر» اطلاق می‌شود؛ چرا که در عصر ارتباطات جمعی و نفوذ این گونه رسانه‌ها به حریم خانه‌های شخصی، هر کسی از این وسایل الگو می‌گیرد؛ زیرا انسان اصولاً الگوپذیر است و برای اعمال و رفتار خویش، به دنبال الگوها می‌گردد. از این رو به راهی می‌روند که از طریق این وسایل تجویز می‌شود. بنابراین، صاحبان و طراحان این گونه وسایل، راهبران اندیشه و عمل انسان‌ها به شمار می‌آیند. رسانه‌ها از چند سو بر فکر و اندیشه انسان احاطه پیدا می‌کنند؛ آن‌ها به گونه‌ای در یکدیگر آمیخته‌اند که توان اندیشیدن را از انسان سلب می‌کنند. حمله برق آسای رسانه‌های گروهی و همگانی جدید به گونه‌ای است که مغز انسان‌ها را در انقیاد خود قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

اگرچه جهانی شدن، هم‌عنوان یک اندیشه و هم‌عنوان یک واقعیت اجتماعی، پدیده‌ای قدیمی محسوب می‌شود، ولی جهانی شدن با مفهوم و کارکردهای امروزی آن پدیده‌ای کاملاً جدید و در واقع مبنای شکل‌گیری دوره جدیدی از تاریخ بشر

⁶⁴ Kumar, Sangeet, Op. cit, P. 158

⁶⁵ تقیب السادات، سید رضا، "تهدیدهای رسانه‌ای، مدیریت و بحران"، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۴

⁶⁶ Douverje

محسوب می شود. واژه «جهانی» از مدت ها پیش وجود داشت، اما معمول شدن واژه «جهانی شدن» نشانگر دلمشغولی امروزین ما به مسائل جهان است. در کنار طرح مبحث جهانی شدن، مبحث جنگ رسانه ای نیز مطرح می شود. جنگ رسانه ای یکی از انواع جنگ های نرم به شمار می رود که در آن سربازان میدان نبرد، خبرنگاران، گزارشگران، سردبیران و نویسندگان رسانه های مختلف اعم از مکتوب (روزنامه ها و مجلات)، صوتی و تصویری (رادیو و تلویزیون)، ماهواره ای و بین المللی (شبکه های ماهواره ای و خبرگزاری ها)، و اینترنتی و الکترونیکی (سایت های اینترنتی و روش های الکترونیکی انتقال پیام) هستند. با توجه به گسترش روزافزون منابع اطلاعاتی و ارتباطی اینگونه به نظر می رسد که ابرقدرت های جهان در سایه مفهوم حق آزادی بیان و اطلاعات، خود را مجاز می دانند که با ارائه برنامه های مد نظر خویش، دنیا را به آن سمت و سویی بکشانند که مقصود آن هاست. در پایان باید ذکر کرد که با توجه به تمام مطالبی که در این پژوهش از منظر حقوق بین الملل مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت:

- هرچند بررسی مضمون و محتوای برنامه های ارسالی رسانه های فراملی بر عهده سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) است، اما متأسفانه این بررسی صرفاً دارای جنبه تشریفاتی بوده و فاقد هرگونه جنبه عملی و الزام آور است. ضمن آن که هیچ مرجع بین المللی جهت رسیدگی به اختلافات ناشی از تأثیرات رسانه های فراملی وجود ندارد و صرفاً ممکن است از طریق مراجعه طرفین اختلاف به یک مرجع داوری مرضی الطرفین به این اختلافات رسیدگی بشود.

- هنگامی که در قضیه داوری «تریل اسملتر» دادگاه در تصمیم نهایی خود، این اصل عمومی حقوق بین الملل را به رسمیت شناخت که بر آن اساس: «هر دولت موظف است که از سایر دولت ها، در مقابل اعمال زیان آوری که در چارچوب قلمرو تحت صلاحیت او اتفاق می افتد، حفاظت نماید؛ می توان دریافت «هنگامیکه یک دولت به سبب یک تعرض مادی و فیزیکی که از قلمرو سرزمین اش به قلمرو سرزمینی یک دولت دیگر صورت می گیرد از نظر بین المللی مسئول شناخته می شود، به طریق اولی اگر یک دولت اجازه بدهد که با استقرار و فعالیت رسانه های فراملی در سرزمین و قلمرو تحت حاکمیت او به حاکمیت و امنیت و نظم عمومی کشورهای دیگر خسارت یا لطمه ای وارد گردد، بدون هیچ شک و شبهه ای مسئولیت بین المللی این دولت محقق خواهد شد، چرا که با یک اقدام فیزیکی و تحقق یک تعرض مادی، نهایتاً یک محیط و منطقه خاص دچار لطمه و آسیب می شود و پس از مدتی نیز آثار و بقایای آن از بین می رود، ولی تعرض رسانه های فراملی به هیچ وجه محدود و منحصر به یک محیط و منطقه خاص و یا حتی مقید به یک برهه از زمان نمی شود و با جرأت می توان گفت که تأثیرات رسانه های فراملی تا آنجاست که به راحتی هرچه تمام تر همه مرزهای امنیتی دولت های متأثر از این رسانه ها را در نوردیده و نه تنها می تواند متعرض به اصول و موازین حقوق بین الملل بشود بلکه می توانند کنترل یک دولت بر ملت خویش را دچار تزلزل نمایند و نیز تأثیرات این رسانه ها معزلات فرهنگی و اجتماعی را نیز در پی خواهد داشت که اصلاح و یا پاکسازی این معزلات سالیان سال و چه بسا قرن ها به طول می انجامد؛ و لذا چنین آثار مخرب و فراگیری به هیچ وجه قابل مقایسه با لطمه های مادی و فیزیکی نمی باشند و در راستای تکیه بر یک مفهوم نمی توان اعمال هرگونه جنایتی در حق فرهنگ و تمدن ملت ها و دولت ها را مجاز دانست.

فهرست منابع

- بردبار، محمد حسن، درآمدی بر حقوق ارتباط جمعی، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اول، (۱۳۸۱).
- بودریار، ژان، در سایه اکثریت های خاموش، ترجمه: یزدان جو، پیام، انتشارات ارغنون، چاپ دوم، تهران، (۱۳۸۷).
- خانی، عبدالله، جنگ نرم (۳) نبرد در عصر اطلاعات، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ دوم، اسفند (۱۳۸۷).
- ضیایی پرور، حمید، جنگ نرم (۲) ویژه جنگ رسانه ای، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ ششم، دی ماه (۱۳۸۹).

- والاس، ربکا، حقوق بین الملل، ترجمه: زمانی، سید قاسم و بهراملو، مهناز، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ سوم، تهران، (۱۳۸۲).
- اسماعیلی، محسن، "حقوق کودک در برابر رسانه ها"، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ششم، شماره ۲۱، بهار (۱۳۸۹).
- بهرامی، کمیل، "نظام، کودک و جریان بین المللی رسانه"، نشریه اطلاع رسانی و کتابداری، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۰۰ و ۱۰۱، فروردین (۱۳۸۵).
- پرویزی، بهزاد، "جهانی شدن و انقلاب ارتباطات"، مجله روابط عمومی، شماره ۵۲، تیر و مرداد (۱۳۸۶-۱۳۸۷).
- دهقانی، روح الل، "جهانی شدن و فعالیت های علمی-فرهنگی اسلامی، زمینه ها و چالش ها"، فصلنامه پژوهش های منطقه ای، شماره ۳، بهار (۱۳۸۹).
- رحیم زاده، لعیا، "جهانی شدن و انزوای هویت"، مجله زمانه، شماره ۱۰، تیر (۱۳۸۲).
- ستوده، محمد، "جهانی شدن و امنیت ملی"، مجله علوم سیاسی، شماره ۹، تابستان (۱۳۷۹).
- سلطانی فر، محمد، "رسانه ها، بحران های نوین و جنگ های پست مدرن"، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۴۲ و ۴۳، پاییز (۱۳۸۳).
- شایان فر، نازنین، "کودک؛ حق دسترسی به اطلاعات و آثار زیانبار رسانه های فراملی"، پایگاه تحلیلی خبری زنان و خانواده، ۱۷ مهر (۱۳۹۲).
- عیوضی، محمد رحیم، "جهانی شدن و امنیت ملی، مجله زمانه"، سال سوم، شماره ۳۰، اسفند (۱۳۸۳).
- مرتضوی، محمود رضا، "جنگ رسانه‌ای در مناقشه روسیه و گرجستان"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۳، پاییز (۱۳۸۷).
- نقیب السادات، سید رضا، "تهدیدهای رسانه ای، مدیریت و بحران"، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، (۱۳۸۷).
- نور بخش، یونس و سلطانیان، صدیقه، جهانی شدن و چالش های دینی و ملی حاصل از آن، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ۳، پاییز (۱۳۸۹).
- Badakhshami, ofran, Globalization: The end of state Sovereignty?, Free University of Amsterdam, Faculty of Social sciences Department of Political Science, (2008).
- Brophy, Peter and Halpin, Edward, ((Through the Net to freedom: information, the Internet and human rights)), Journal of Intormation Science, (1999).
- Cottle, Simon and Mugdha, Rai, ((Between display and deliberation: analyzing TV news as communicative architecture)), Media Culture Society, 28, (2006).
- K. Cheliotis, LEONIDAS, ((The ambivalent consequences Of Visibility: Cirme and prisons in the mass media)), Cirmemedia Culture, 6, (2010).
- Kumar, Sangeet, ((Google Earth and the nation State: Sovereignty in the age of new media)), Global Media and Communication, 6, (2010).
- M. Lord, Kristin, The Perils and Promise of Global Transparency, state University of New York Press, (2006).
- Nguyet Erni, John, ((War,"Incendiary media" and international human rights law)), Media Culture Society, (2009).
- O.Siochru, Sean, May., Social Consequences of the globalization of the media communication Sector: some strategic considerations, Policy Integration Department word Commission on the Social Deminition of Globalization International Labour office Geneva, Working Paper, (2004).
- Okello – Orleale, Rosemary, ((The Role of Media in Promoting Access to Information and Serving as a Public Watchdog)), African Woman and Child Feature Sevice, (2008).
- Ostry, Sylvia, 9. March., GLOBALIZTION AND SOVEREIGNTY, J. R. Mallory Annual Lecture McGill University, (1999).

- Simons, Greg, Spring – Summer. Mass Media and the Battle for Public Opinion in the Global War on Terror: Violence and Legitimacy in Iraq, PERCEPTIONS, (2008).
- Siyeon Lae, "Children's Rights to Access Information", in: JanathanTodres, Mark E. Wojcik, Cris R. Revaz (eds.), The UN Convention on the Rights of the Child, Transnational Publishers, (2006).
- UN Rights of the Child, 13 th Sess., at 253, UN Doc. CRC/C/57, (1996).
- VISNER, SAMUEL, SOEREIGNTY IN THE INFORMATION AGE/INFORMATION TECHNOLOGY'S CHALLENGES TO GLOBAL GOVERNANCE, WORLD POLITICAL REVIEW, (2009).